

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دیمیتری کوزیرف
فرستنده: عثمان حیدری
۲۷ سپتمبر ۲۰۲۳

فروپاشی امریکا و تشابه آن با فروپاشی امپراتوری هسپانیه



برخی از مؤرخان شباهت‌هایی بین فروپاشی امپراتوری هسپانیه و ایالات متحده می‌بینند. برخی از مؤرخان معتقدند که ایالات متحده در حال حاضر مسیری مشابه امپراتوری هسپانیه را طی می‌کند. هر دو قدرت جهانی بودند که از طریق استعمار و استثمار به ثروت و قدرت رسیدند. با این حال، هر دو امپراتوری در نهایت به دلیل مشکلات مالی و سیاسی فروپاشیدند.

مؤرخان امریکائی مدت‌هاست که درباره فروپاشی امپراتوری قدرتمند ایالات متحده هشدار داده‌اند. اکنون، برخی از مؤرخان شباهت‌هایی بین فروپاشی امپراتوری هسپانیه، که زمانی توسط ایالات متحده تضعیف شد، با فروپاشی ایالات متحده می‌بینند.

ایالات متحده مدت‌هاست که توسط مؤرخان خود، که هشدارهای تاریکی در مورد فروپاشی امپراتوری بریتانیا و امپراتوری روم را در قالب کتاب‌ها ارائه می‌کردند، دریافت می‌کند. این هشدارها در ابتداء نادیده گرفته شدند، اما بحث‌ها در مورد این موضوع در دهه اخیر شدت گرفته است.

اکنون، پروفیسور توماس لیفسون پس از خواندن مقاله‌ای از دانشجوی سابق خود، آر. تاگتارت مورفی، که اکنون خود یک پروفیسور است و او تحقیق هوشمندانه‌ای کرده است. مورفی استدلال می‌کند که فروپاشی امپراتوری امریکا، اولین ابرقدرت جهان، بیشتر شبیه تجربه هسپانیه است تا روم یا بریتانیا.

این درست است که روم – یا به عنوان مثال، چین – امپراتوری‌های جهانی نبودند، بلکه امپراتوری‌های منطقه‌ای بودند. هسپانیه ممکن است کل جهان را فتح نکرده باشد، اما کل امریکای لاتین، فیلیپین و بخشی از اروپا را فتح کرد و مسیرهای تجاری را ایجاد کرد که برای اولین بار در تاریخ جهان کل کره زمین را در بر می‌گرفت. اما سپس این ساختار فروپاشید.

در اینجا می‌توانیم اضافه کنیم که این ایالات متحده بود که این امپراتوری هسپانیه را سرنگون کرد، زیرا آخرین میخ در تابوت این امپراتوری ضعیف شده توسط امریکائی‌ها زده شد. آنها در اواخر قرن نوزدهم با هسپانیه جنگیدند و به این ترتیب مستعمرات فیلیپین، کوبا، پورتوریکو و گوام را از مادرید گرفتند. قبل از آن، امپراتوری استعماری هسپانیه توسط بریتانیا و به طور غیرمستقیم توسط فرانسه تضعیف شده بود – و سرانجام زمانی که مجبور شد از مستعمرات سابق خود در امریکای جنوبی دست بکشد، فروپاشید.

پروفسور تاریخ ارزش کار پروفسور جوان را در این می‌بیند که مورفی دلیل اصلی فروپاشی ابرقدرت را در انگلیزایی بودن مالی آن می‌بیند. مادرید اگرچه تن‌ها نقره و طلای زیادی از مستعمرات استخراج کرد، اما علاقه‌ای به توسعه صنعت خود نداشت و بنابراین انقلاب صنعتی را نیز از دست داد. در عین حال، قیمت این فلزات را در سراسر اروپا کاهش داد و باعث تورم شد. در نتیجه، هموطنان سابقشان مانند سیمون بولیوار از متروپل سوال منطقی را طرح کردند: چرا باید به شما باج بدهیم؟ شما کی هستید؟ این اتفاقی است که مستعمرات بعدی ایالات متحده در اواخر قرن هجدهم برای امپراتوری لندن نیز طرح کردند.

در اصل، این موضوع مربوط به امور مالی است – و همین اتفاق نیز با ایالات متحده افتاده است، همانطور که استاد تاریخ (و همچنین جوانتر) می‌گوید. این کشور با انحصار دالر امریکا، پول خود را در سراسر جهان ترویج کرده است، در حالی که کشور خود تولید – و در نتیجه مزایای فناوری – را از دست داده است. امروز این کشور هنوز به اندازه هسپانیه روستائی آن زمان سقوط نکرده است، اما تغییرات به این سمت واضح است.

در اصل، این رویکرد مناسبی است، اما مشکلاتی وجود دارد. با این حال، خوانندگان مطالب پروفسور توماس لیفسون بلافاصله به چیزی توسط دانشجویانش یادآوری شدند: آیا او تفتیش عقاید هسپانیه را فراموش کرده؟ در واقع، تفتیش عقاید که هر نظر مخالف را سرکوب می‌کرد، همان چیزی است که امروز به اصطلاح “دموکرات‌ها” در ایالات متحده انجام می‌دهند و در عین حال ایدئولوژی شوم خود را به سراسر جهان صادر می‌کنند.

در این مورد، چیزهای زیادی برای تکمیل وجود دارد. زیرا هم این آنالوگ فعلی ایالات متحده به انقلاب فرهنگی چین و هم نظریه مالی، هیچ دستور العمل جهانی برای سقوط ابرقدرت‌ها را ارائه نمی‌دهند. فقط به این دلیل که مثلاً انگلیس‌ها مدل معکوس امپراتوری داشتند – زیرا از مواد خام برای صنعت قدرتمند انگلیس از مناطق حاشیه جهان به خانه می‌آمد، اما ...

اما در قرن گذشته مشخص شد که بریتانیا از نظر فناوری توسط ایالات متحده پشت سر گذاشته شده است. انگلیس‌ها در واقع نیازی به ممنوعیت انگلی محصولات ایالات متحده و سایر رقباء در بازار مستعمرات خود نداشتند. در نتیجه جنگ جهانی اول، رقیب در قالب ایالات متحده امریکا اصل تجارت آزاد را اجراء کردند – رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده “وودرو ویلسون” نقش پیشگام ایدئولوژیک را بازی کرد. و پس از نتایج جنگ جهانی دوم، ایالات متحده در نهایت قدرت جهانی سابق را تحت فشار قرار داد و شروع به توسعه انگلی دالری خود کرد. و اکنون معلوم شده است که کشورهای دیگر – به ویژه چین – از نظر فناوری از این انگل پیشی گرفته‌اند، درست همان کاری که امریکائی‌ها یک قرن قبل با انگلیس‌ها انجام داده بودند.

اما بیائید عامل فرهنگی را فراموش نکنیم. امپراتوری ها صرفاً مکانیسم های اقتصادی را پیش بینی نمی کنند. ایده اصلی هر امپراتوری یک فرهنگ مشترک، ارزش های مشترک و سبک زندگی مشترک برای مردم اغلب بسیار متفاوت است. این چیزی است که برای هر یک از ساکنان آن مهم است و توسط تمام قدرت امپراتوری محافظت می شود. اما اگر تنوع سرزنده و پرانرژی فرهنگ و ارزش های مشترک با روش های تفتیش عقاید خفه شود، ابتداء خستگی غم انگیزی ایجاد می شود که به شورش منجر می شود. و امپراتوری که به عنوان انگل بر دستاوردهای فرهنگی قبلی چنگ می زند، فرو می ریزد و باید برای قدرت های جهانی جدید و خودجوش تر جای خالی بگذارد.